

اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی هیجانی بر بی حسی هیجانی (کرختی) و ساده انگاری هیجانی در مادران کودکان کم توان ذهنی
Effectiveness of Schema-Based Group Therapy Emotional Therapy on Emotional Anesthesia (Numbness) and Emotional Simplification in Mothers of Mentally Retarded Children

Safura Keyvanlo

M.S Clinical Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Behzad Malehmir*

M.S Clinical Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

behzadpsycho4@gmail.com

Maryam Ezati babi

PhD Student, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Mohammad Narimani

Professor, Department of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

صفورا کیوانلو

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

بهزاد ماله میر (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

مریم عزتی بایی

دانشجوی دکتری روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.

محمد نریمانی

استاد گروه روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Abstract

Today, mothers of mentally retarded children have many emotional problems. Therefore, the aim of this study was the effectiveness of group therapy, schema-based therapy, emotional therapy on emotional anesthesia, and emotional simplification of mothers of mentally retarded children. This was a pre-test-post-test experimental study with a control group. The statistical population of the study was all mothers with mentally retarded children less than 15 years old, Ardabil city in the spring of 1399. By referring to Ardabil Welfare Office, 4 centers and schools were selected from rehabilitation centers and exceptional schools by multi-stage cluster sampling method, and 40 families of children with mental disabilities were selected by sample method. Select simple random sampling in accordance with the criteria for research and willingness to participate in treatment from the welfare center of Ardabil city and place the mothers of the family in two groups of random assignment, experimental ($n = 20$) and control ($n = 20$). they got. The experimental group received 10 sessions of group emotional therapy regimen but the control group did not. Members of both groups responded to the Leahy Emotional Schemas Scale (2002) before and after treatment. Analysis of covariance was used to analyze the data. The results showed that the effectiveness of the therapeutic schema based on emotional therapy is significant with emotional anesthesia ($P < 0/01$) and emotional simplification ($P < 0/01$). other results of this cure resulted in a significant reduction in scores of emotional numbness and emotional numbness in mothers of low - power - power children studied in the experiment group compared to the control group. in general, the results of this research show that emotional disorders can be considered as an effective remedy for modifying many of the emotional schemas of mothers of low power.

Keywords: Scheme of emotional therapy, emotional anesthesia, emotional simplification, mental retardation.

چکیده

امروزه مادران کودکان کم توان ذهنی دارای مشکلات هیجانی بسیاری هستند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی هیجانی بر بی حسی هیجانی و ساده انگاری هیجانی مادران کودکان کم توان ذهنی بود. این پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش کلیه مادران دارای کودک کم توان ذهنی کمتر از پانزده سال، شهرستان اردبیل در بهار سال ۱۳۹۹ بود. با مراجعه به اداره بهزیستی شهر اردبیل از بین مراکز توانبخشی و مدارس استثنایی به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله، ۴ مرکز و مدرسه انتخاب شد و تعداد ۴۰ نفر از خانواده های کودکان مبتلا به اختلال کم توان ذهنی را به روش نمونه گیری تصادفی ساده و همخوان با ملاک های ورودی پژوهش و متمایل به شرکت در درمان از مرکز بهزیستی شهرستان اردبیل انتخاب کرده و مادران خانواده به صورت گمارش تصادفی در دو گروه، آزمایش ($n=20$) و کنترل ($n=20$) قرار گرفتند. گروه آزمایش، ۱۰ جلسه، طرحواره درمانی هیجانی گروهی را دریافت کرده اما گروه کنترل دریافتی نداشتند. اعضای دو گروه به مقیاس طرحواره های هیجانی لیهی (۲۰۰۲) قبل و پس از درمان پاسخ دادند. برای تحلیل داده ها از تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج نشان داد که اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی هیجانی بر بی حسی هیجانی ($P < 0/01$) و ساده انگاری هیجانی ($P < 0/01$) معنی دار است. به عبارت دیگر این درمان باعث کاهش معنادار در نمرات متغیرهای بی حسی هیجانی و ساده انگاری هیجانی در مادران کودکان کم توان ذهنی مورد مطالعه در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شد. به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که طرحواره درمانی هیجانی می تواند به عنوان یک درمان موثر در اصلاح بسیاری از طرحواره های هیجانی مادران کودکان کم توان ذهنی مورد توجه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: طرحواره درمانی هیجانی، بی حسی هیجانی، ساده انگاری

هیجانی، کم توانی ذهنی.

کم‌توانی ذهنی^۱ یا ناتوانی هوشی با شرایطی یکسان و به یک میزان و با علت‌های مشابه و آثار همانند، در همه افراد کم‌توان ذهنی مشاهده نمی‌گردد (هالاها، کافمن، پولن و بادار^۲، ۲۰۲۰). نخستین بار، انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا در سال ۱۹۶۱ از واژه عقب‌ماندگی ذهنی استفاده نمود. در واقع، عقب‌ماندگی ذهنی جایگزین واژه‌هایی مانند سبک مغز، کودن، احمق، کانا، کالیو و نابهنجاری ذهنی گردید (عاشوری و یزدانی‌پور، ۱۳۹۷). در سال ۲۰۰۷، انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا به انجمن ناتوانی هوشی و تحولی آمریکا تغییر نام پیدا کرد و برای نخستین بار در همان سال، واژه ناتوانی هوشی یا کم‌توانی ذهنی را به جای عقب‌ماندگی ذهنی به کار بردند و کم‌توانی ذهنی در گروه اختلال‌های هوشی تحولی قرار گرفت. در حال حاضر، واژه عقب‌ماندگی ذهنی منسوخ گردیده و همه مراکز علمی واژه کم‌توانی ذهنی را تأیید می‌نمایند (عاشوری و جلیل‌آکنار، ۲۰۱۶). کم‌توانی ذهنی به محدودیت‌های اساسی در کارکرد هوشی (هوشبهر ۷۰ تا ۷۵ یا کمتر) و رفتار سازشی که به‌صورت مهارت‌های سازشی مفهومی، اجتماعی و عملی در دوره تحول (قبل از ۱۸ سالگی) محسوب می‌شود (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). دیدگاه سیستمی و خانواده‌درمانی در تعیین میزان آسیب‌شناسی خانواده بر این نکته تأکید می‌کنند که خانواده به عنوان یک واحد تعاملی، از اعضای خود تأثیر می‌گیرد. به طوری که تعاملات درون خانواده یکی از عوامل تعیین‌کننده سلامت روانی می‌باشد. روابط درون خانواده چنانچه به نحوی باشد که منتج به اضطراب برای افراد گروه گردد، امنیت روانی افراد را به خطر می‌اندازد و این خود می‌تواند سرمنشأ بسیاری از مشکلات روانی، رفتاری و شخصیتی آن‌ها گردد. با این نگرش اختلال یک عضو خانواده بر کارکردهای مختلف تمام اعضاء تأثیرگذار می‌باشد (سیداسماعیلی‌قمی، کاظمی و پزشکی، ۱۳۹۴). افراد در این سیستم به‌طور پیوسته در تلاش برای رسیدن به تعادل مجدد تکامل پیدا می‌کنند. در این میان تولد یک کودک با ناتوانی‌های رشدی موجب بروز مشکلی جدی در حفظ این تعادل شده و خانواده را به سمت تجربه‌ی مشکلات مربوط به آن سوق می‌دهد (کنندال و مریک^۳، ۲۰۱۵). تولد کودک کم‌توان ذهنی اغلب به عنوان شوک شدیدی در خانواده تلقی می‌شود و در شرایط معمول زندگی اختلال ایجاد می‌کند (قاسمی‌پور و روشن، ۱۳۹۸). مطالعات نشان داده است که وجود کودک با محدودیت عملکردی و وابستگی طولانی، نیازمند مراقبت ویژه است و تمام نیروی مادر را بر خود متمرکز می‌کند. مادر نمی‌تواند به ابعاد دیگر زندگی رسیدگی کند و سلامت مادر و خانواده به خطر می‌افتد (بذرافشان و حجتی، ۱۳۹۸). والدین و به‌خصوص مادران این کودکان با مشکلات متعدد و شرایط دشواری روبه‌رو هستند (الهورانی، حاسان و بتینه^۴، ۲۰۱۷). در مورد این مسئله می‌توان اذعان داشت که درمان‌های مرتبط با تنظیم هیجان با کمک به شناسایی هیجان‌های مثبت و منفی، آموختن راهبردهای پذیرش هیجان‌های مثبت و منفی، اصلاح باورهای نادرست در خصوص هیجان‌ها و آموزش باورهای صحیح در مورد زندگی و آینده و غیره، زمینه را برای شناسایی، ثبات و مدیریت عواطف و هیجان‌ات مادران دارای فرزند معلول فراهم ساخته و در نتیجه منجر به کاهش عواطف منفی آنان می‌گردد؛ چرا که گلیدن، بلینگ و جاب^۵ (۲۰۱۶)، در پژوهش خود نشان دادند مادران کودکان کم‌توان ذهنی نمره بیشتری را در روان‌رنجوری (مانند خشم و ترس و افسردگی و به‌طور کلی عواطف منفی) نسبت به مادران کودکان طبیعی داشتند که نشان می‌دهد آن‌ها ثبات هیجانی کمتری نسبت به مادران کودکان طبیعی دارند. طرحواره‌درمانی هیجانی شکل جدیدی از درمان شناختی رفتاری است که لیهی با اقتباس از نظریه شناختی بک، طرحواره‌درمانی یانگ، الگو فراساختی ولز و رویدادهای مبتنی بر پذیرش برای درمان مشکلات هیجانی تدوین نمود (لیهی^۶، ۲۰۰۲). طرحواره‌درمانی هیجانی یک الگوی اجتماعی-شناختی از هیجان و نظم جویی هیجانی است زیرا از نگاه لیهی هیجان‌ها هم یک پدیده فردی و هم اجتماعی می‌باشند که توسط خود فرد و دیگران مورد تفسیر قرار می‌گیرند و تغییرات این تفاسیر (تفسیر خود فرد و دیگران) باعث تغییر در شدت و نارسا نظم جویی هیجانی می‌شود. طبق

¹ Mental disability

² Hallahan, Kauffman, Pullen & Badar

³ Mental retardation

⁴ Kandel & Merrick

⁵ AlHorany, Younis & Bataineh

⁶ Glidden, Billings & Jobe

⁷ Leahy

این الگو، تفاوت های موجود بین افراد از نظر تفاسیر، ارزیابی ها، میل به اقدام و راهبردهای رفتاری مربوط به هیجان های آنان، طرحواره های هیجانی نامیده می شود (لیهی، ۲۰۱۵).

در این الگو، در زمان تجربه یک هیجان ناخوشایند، این راهبردها و فرایندهای تفسیر به کار گرفته می شوند. اولین گام در هنگام ظهور یک هیجان، توجه کردن به آن هیجان است که هم می تواند شامل توجه و هم برچسب زدن به هیجان ها باشد. دومین گام در الگو لیهی اجتناب شناختی و هیجانی از هیجان است (لیهی، ۲۰۱۸). این اجتناب می تواند هم به صورت طبیعی و هم به صورت بیمارگونه مصرف مواد مخدر، نشخوار فکری و نگرانی، پرخوری رخ دهد. این تفاسیر و راهبردها یا همان طرحواره های هیجانی، موانعی برای درمان شناختی رفتاری هستند، چون مواجهه طولانی در تضاد با نظریه فرد در این باره است که اضطراب چگونه مدیریت می شود (لیهی، ۲۰۰۷). لیهی برای طرحواره های هیجانی ۱۴ بعد را در نظر می گیرد که این ابعاد راهبردهای مقابله و تفاسیر گوناگون مربوط به هیجان ها را توصیف می کنند و بر اساس مقیاس طرحواره های هیجانی لیهی استوار هستند. این ابعاد چهارده گانه عبارتند از: اعتباربخشی هیجانی، درک هیجانی، احساس گناه، دیدگاه ساده انگارانه درباره هیجان، ارزش های برتر، کنترل، کرحتی، نیاز به خردگرا بودن، دوام، همگانی بودن هیجان، پذیرش احساس ها، نشخوار فکری، ابراز و سرزنش (لیهی، ۲۰۱۵). برخی از افراد در تجربه کردن هیجان های خود دچار مشکل می باشند. آنها اغلب ادعا می نمایند که احساس کرحتی، نداشتن احساس یا احساس جدایی از واقعیت می باشد (لیهی، ۲۰۱۵). در نظریه های متمرکز بر هیجان، کرحتی به عنوان نوعی بازداری هیجانی در مقابل اضطراب در نظر گرفتند. همچنین می توان کرحتی را نوعی دفاع شناختی در برابر عواطف شدید قلمداد کرد که مانع پردازش هیجانی می گردد (لیهی، ۲۰۰۲). در الگوی طرحواره درمانی هیجانی، این حالت نوعی اجتناب هیجانی می باشد که هرگونه فرایند هیجانی را مهار می سازد. اگر افراد در مقابل هیجان های خود پاسخ کرحتی را ارائه می دهند و هیجان خود را تجربه نکنند نمی توانند بیاموزند که هیجان ها قابل تحمل باشند، بر آنها غلبه نخواهند کرد، خارج از ظرفیت آنها نمی باشد و تا ابد به طول نمی انجامند. بنابراین باورهای منفی فرد درباره هیجان تداوم پیدا می کند (لیهی، ۲۰۱۵). در پژوهش لیهی (۲۰۰۲) نتایج نشان داد که میان کرحتی با اضطراب و افسردگی رابطه ای وجود ندارد. اما کرحتی با اعتباریابی اندک، تأکید زیاد بر عقلانی بودن، کنترل کمتر و سرزنش کردن دیگران رابطه دارد. همچنین می توان گفت ساده انگاری هیجانی اشاره به توانایی فرد در موردپذیرش هیجان های متناقض و پیچیده دارد. بسیاری از نظریه پردازان در حوزه آسیب شناسی روانی در تبیین اختلالات روانی، نقش و جایگاه متفاوتی را برای هیجان ها قائل شده اند. امروزه گذشته از مدل های التقاطی، بسیاری از نظریات شناختی نیز به نقش پررنگ هیجان ها در تحول و تداوم اختلالات روانی پی برده اند، به طوری که بسیاری از آنها هیجان ها را همتراز با شناخت ها در ایجاد اختلالات روانی می دانند و به سمت مدل های شناختی هیجانی حرکت کرده اند (لیهی، ۲۰۱۵). هسته ی مرکزی درمان در این پژوهش آموزش راهبردهای طرحواره های هیجانی مبتنی بر تنظیم هیجان است که در نظریه ی طرحواره درمانی هیجانی لیهی به آن اشاره شده است؛ با توجه به نقش هیجان و مدیریت آن در خانواده هایی که دارای کودک مبتلا به اختلال هستند، بررسی علمی تأثیر این درمان در طرحواره های هیجانی بی حسی هیجانی و ساده انگاری هیجانی مادران کودکان مبتلا به اختلال کم توانی ذهنی ضروری است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی هیجانی بر طرحواره های هیجانی ناسازگار بی حسی هیجانی و ساده انگاری هیجانی در مادران کودکان کم توان ذهنی می باشد.

روش

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و از نوع تحقیق نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه مادران کودکان کم توان ذهنی کمتر از پانزده سال، شهرستان اردبیل در بهار سال ۱۳۹۹ تشکیل می دادند. که از این تعداد، ۴۰ نفر از خانواده های کودکان مبتلا به اختلال کم توانی ذهنی را به روش نمونه گیری تصادفی ساده و همخوان با ملاک های ورودی پژوهش و متمایل به شرکت در درمان از مرکز بهزیستی شهرستان اردبیل انتخاب کرده و مادران خانواده را به صورت گمارش تصادفی در دو گروه، آزمایش ($n=20$) و کنترل ($n=20$) قرار گرفتند. ملاک های ورودی پژوهش حاضر شامل: داشتن حداقل یک فرزند مبتلا به اختلال کم توانی ذهنی برای گروه مادران کودکان کم توانی ذهنی بر طبق ملاک های تشخیصی راهنمای آماری و تشخیصی بیماری های روانی انجمن روانپزشکی آمریکا، برخورداری از سطح تحصیلات حداقل دیپلم، قرار داشتن در دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال،

اثر بخشی گروه درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی هیجانی بر بی حسی هیجانی (کرختی) و ساده انگاری هیجانی در مادران کودکان کم توان ذهنی
Effectiveness of Schema-Based Group Therapy Emotional Therapy on Emotional Anesthesia (Numbness) ...

رضایت و موافقت برای حضور در پژوهش و معیارهای خروج از مطالعه شامل؛ داشتن بیش از یک فرزند مبتلا به اختلال کم توان ذهنی، عدم رضایت و همکاری در پژوهش و استفاده از درمان‌های روانشناختی یا دارو درمانی برای مشکلات روحی در شش ماه گذشته و داشتن بیماری جسمی و سوء مصرف مواد می‌باشد. سپس روش طرحواره درمانی هیجانی طی ۱۰ جلسه ۲ ساعته بر روی گروه آزمایش اجرا گردید ولی گروه کنترل در لیست انتظار قرار گرفته و مداخله‌ای دریافت نکرد. و در پایان اعضای دو گروه به پرسشنامه‌ها مجدداً پاسخ دادند و داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در جدول ۱ پروتکل درمانی طرحواره‌های هیجانی توضیح داده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه طرحواره درمانی هیجانی لیهی^۱ (LESS): مقیاس طرحواره درمانی هیجانی لیهی، توسط لیهی در سال ۲۰۰۲ و به منظور شفاف سازی باورها و راهبردهای افراد در مقابل هیجانات و طرحواره‌های هیجانی آن‌ها معرفی شده است. در این مقیاس افراد دیدگاه خود را درباره ۵۰ عبارت و در یک مقیاس ۶ گزینه‌ای بین ۱ (کاملاً نادرست) تا ۶ (کاملاً درست) ابراز می‌دارند. اعتبار بخشی هیجانی، درک هیجانی، احساس گناه، ساده انگاری هیجانی، پیگیری ارزش‌های بالاتر، کنترل بی حسی هیجانی، نیاز به منطق گرایی، تداوم هیجانی، همگانی بودن هیجانات، پذیرش هیجانات، نشخوار ذهنی، ابراز هیجانی و سرزنش دیگران، طرحواره‌های هیجانی مورد ارزیابی در این مقیاس می‌باشد. هر یک از این ابعاد بین ۲ تا ۷ عبارت را در خود گنجانده است. سوالات ۱۶، ۴۹، ۵، ۱۰، ۳۳، ۴۵، ۲۵، ۷، ۲۷، ۴۴، ۲۹، ۳، ۱۹، ۲، ۱۲، ۲۰، ۵۰، ۹، ۲۸، ۱، ۳۶ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. از آن جا که برخی از ابعاد طرحواره‌های ناسازگار و برخی طرحواره‌های سازگار را می‌سنجد لذا نمره کلی وجود ندارد و نمرات هر بعد جداگانه محاسبه می‌شود (لیهی، ۲۰۰۲). در مطالعه‌ای که بر روی ۱۲۸۶ شرکت کننده بر روی فرم اصلی این مقیاس انجام شد، همسانی درونی بالایی به میزان ۰/۸۰ گزارش شده است (لیهی، ۲۰۱۱). همچنین در مطالعه‌ای دیگر آلفای کرونباخ آن ۰/۸۶ و ضریب اعتبار و نیمه آن برابر با ۰/۷۰ گزارش شده است (باردن، فرگوس و اورکت، ۲۰۱۲). در پژوهش خانزاده، ادریسی، محمدخانی و سعیدیان در سال ۱۳۹۲ همبستگی هر گویه را با نمره کل زیر مقیاس مربوط به آن بین ۰/۵۲ تا ۰/۹۲ و همبستگی هر گویه با نمره کل مقیاس را بین ۰/۱۲ تا ۰/۵۲ به دست آورده‌اند. پایایی این مقیاس از طریق روش بازآزمایی در فاصله دو هفته باری کل مقیاس ۰/۷۸ و برای زیر مقیاس‌ها در دامنه بین ۰/۵۶ تا ۰/۷۱ است (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین، از پرسشنامه جمعیت شناسی (ضمیمه شده به پرسشنامه‌ها) جهت سنجش متغیرهای جمعیت شناختی نظیر سن مادر و کودک، میزان تحصیلات مادر، جنسیت کودک، تنها در مرحله پیش آزمون، استفاده گردید.

جدول ۱: پکیج موضوعات و محتوای طرحواره درمانی هیجانی

مراحل	موضوعات	محتوای مداخله
۱	سنجش	آشنایی درمانگر با اعضای گروه و اعضا با یکدیگر، توضیح هر یک از اعضا در مورد هدف از شرکت در گروه، سنجش خط پایه اول، امضای قرارداد رفتاری شرکت در پژوهش، تعیین زمان حضور برای شرکت در درمان
۲	ارزیابی اولیه میزان متغیرها	تبیین متغیر براساس الگوی طرحواره های هیجانی، شناسایی طرحواره های هیجانی دردرساز، ارائه نظریه‌ای درباره هیجان، ارائه الگویی از هیجان به آزمودنی‌ها جهت افزایش درک و فهم اعضا از هیجان، بیان منطق و مراحل مداخله. تمرین توجه آگاهی انحصالی، تکلیف منزل: توجه آگاهی انحصالی
۳	بررسی تکلیف منزل، اعتباریابی هیجانی	بررسی مقاومت در برابر اعتباریابی و مفهوم آن، شناسایی خاستگاه‌های مختلف طرحواره‌های هیجانی اعتبار زاد، شناسایی پاسخ‌های مشکل‌زا به اعتبارزدایی، ابداع راهبردهای انطباقی برای سازش با اعتبارزدایی، تکلیف منزل: اعتبار بخشی دلسوزانه به خویشتن و توجه آگاهی انحصالی به هیجان.
۴	بررسی تکلیف منزل، اعتباریابی هیجانی و چالش با طرحواره های هیجانی	برچسب زنی و افتراق هیجان‌ها از یکدیگر، بهنجار سازی تجربه هیجانی، افزایش تحمل احساسات مختلط، استعاره انسان کامل، تکلیف منزل: ثبت مزایا و معایب این ل و به که هیجان‌های من غیر طبیعی هستند و بررسی اینکه آیا افراد دیگری نیز این هیجان تنها با تجربه می‌کنند همراه با توجه

¹ Leahy Emotional Schema Therapy Scale

² Bardeen, Fergus & Orcutt

	دردسرساز:	آگاهی انفصالی به هیجان.
۵	بررسی تکلیف منزل، چالش با طرح‌واره‌های هیجانی	افزایش قدرت پذیرش احساسات، استعاره مهمان، آموزش گذرا بودن هیجان، تمایز سرن هیجان و اقدام، تجربه کردن هیجان به صورت موج، آزمایش رفتاری پیش‌بینی عاطفی. ذهن منزل: مشاهده و توصیف هیجان.
۶	بررسی تکلیف منزل، پذیرش بنیادین احساسات	افزایش قدرت پذیرش احساسات، اقدام متضاد و همجوشی زدایی، اتخاذ موضعی به دور از قضاوت برای هیجان، انجام آزمایش رفتاری جهت آزمودن باورهای هیجانی غلط، تمرن نامه نگاری دلسوزانه، تکلیف منزل: اقدام متضاد و نامه نگاری دلسوزانه
۷	بررسی تکلیف منزل، تقویت پردازش هیجانی	تقویت آگاهی هیجانی، القای هیجان، فضا سازی هیجانی، بررسی هیجان به عنوان هدف، تکلیف منزل: در جستجوی هیجان‌های مثبت و ثبت افکار هوشمند به لحاظ هیجانی.
۸	بررسی تکلیف منزل، رنجش سودمند و بازسازی شناختی	بالا رفتن از نردبان مفاهیم برتر، نقص کامیابی، شناسایی افکار خود آیند، تمایز افکار از احساسات، فن پیکان رو به پایین، فاجعه زدایی، تکلیف منزل: دسته بندی افکار منفی
۹	بررسی تکلیف منزل، بازسازی شناختی	فن وکیل مدافع، بررسی شواهد افکار منفی، بررسی معایب و مزایای افکار منفی فن درجه بندی میزان هیجان و میزان باور به یک فکر، تکلیف منزل: بررسی معایب و مزایای افکار منفی.
۱۰	جمع بندی و ارزیابی	ارزیابی میزان نیل به اهداف اعضا. آماده کردن اعضا برای پایان درمان. کمک به تداوم آموخته‌های جدید از طریق بررسی موانع و مشکلات احتمالی در این مسیر و تلاش برای رفع یا کاهش آن‌ها. دریافت بازخورد از اعضا راجع به کمیت، کیفیت و اثر بخشی جلسات درمانی. اجرای پس آزمون.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر تعداد ۴۰ نفر از مادران کودکان دارای اختلال کم‌توانی ذهنی در ۲ گروه ۲۰ نفری (آزمایش و کنترل) مورد مطالعه قرار گرفتند. در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار متغیرهای بی‌حسی هیجانی و ساده‌انگاری هیجانی در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیر بی‌حسی هیجانی . ساده‌انگاری هیجانی

متغیر	گروه	پیش آزمون		پس آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
بی‌حسی هیجانی	کنترل	۷/۳۰	۱/۴۹	۷/۲۲	۱/۴۹
	مداخله	۸/۲۵	۱/۵۸	۳/۶۵	۰/۹۹
ساده‌انگاری هیجانی	کنترل	۱۷/۲۰	۲/۱۹	۱۷/۲۵	۲/۲۲
	مداخله	۳۱/۶۰	۱۰/۷۰	۶/۷۵	۱/۴۵

نتایج یافته‌ها نشان داد که میانگین و انحراف معیار سنی مادران در دو گروه آزمایش و کنترل ($34/7 \pm 61/27$) و ($31/3 \pm 24/91$) می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد متغیر بی‌حسی هیجانی در گروه کنترل در مرحله پیش‌آزمون ($7/1 \pm 30/49$) و در مرحله پس‌آزمون ($7/1 \pm 20/49$) است و در گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون ($8/1 \pm 25/58$) و در مرحله پس‌آزمون ($3/0 \pm 65/99$) است. همچنین میانگین و انحراف معیار ساده‌انگاری هیجانی در گروه کنترل در مرحله پیش‌آزمون ($17/2 \pm 20/19$) و در مرحله پس‌آزمون ($17/2 \pm 25/22$) است و در گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون ($31/10 \pm 60/70$) و در مرحله پس‌آزمون ($6/1 \pm 75/45$) می‌باشد. برای بررسی اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر طرح‌واره درمانی هیجانی بر بی‌حسی هیجانی و ساده‌انگاری هیجانی از تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل به‌منظور مقایسه‌ی دو گروه در مرحله پس‌آزمون با کنترل اثر پیش‌آزمون، پیش فرض‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفت.

اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر طرحواره‌درمانی هیجانی بر بی‌حسی هیجانی (کرختی) و ساده‌انگاری هیجانی در مادران کودکان کم‌توان ذهنی
Effectiveness of Schema-Based Group Therapy Emotional Therapy on Emotional Anesthesia (Numbness) ...

جدول ۳: نتایج آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌های خطا در پس‌آزمون بی‌حسی هیجانی و ساده‌انگاری هیجانی

متغیرها	آماره F	درجه آزادی بین‌گروهی	درجه آزادی درون‌گروهی	معناداری
بی‌حسی هیجانی	۱/۲۲	۱	۳۸	۰/۱۲
ساده‌انگاری هیجانی	۲/۴۸	۱	۳۸	۰/۲۷

چنانچه در جدول ۳ مشاهده می‌شود به منظور ارزیابی مفروضه یکسانی واریانس‌های خطا، از آزمون لوین استفاده شد. با توجه به مقدار F و عدم معناداری آزمون لون ($P > .05$) پیش فرض همگنی واریانس‌ها رعایت شده است و می‌توان از تحلیل واریانس استفاده کرد. به منظور بررسی یکسانی ماتریس کوواریانس از آزمون M باکس استفاده شد. نتایج نشان داد که مفروضه یکسانی کوواریانس برقرار است ($P = 0.39, F = 1.04$).

جدول ۴: خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به میانگین نمرات متغیرهای بی‌حسی هیجانی و ساده‌انگاری هیجانی

متغیرها	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
بی‌حسی هیجانی	پیش‌آزمون گروه	۲۴/۵۰۶	۱	۲۴/۵۰	۲۵/۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۰
ساده‌انگاری هیجانی	پیش‌آزمون گروه	۷۸/۴۹	۱	۷۸/۴۹	۲۸/۶۹	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳
	گروه	۹۲۸/۰۲	۱	۹۲۸/۰۲	۳۳۹/۱۱	۰/۰۰۰۱	۰/۹۰

بنابراین تحلیل کوواریانس چند متغیره انجام شد و نتایج آن نشان داد که تفاوت معناداری در ترکیب خطی مولفه‌ها وجود دارد. ($P < 0.0001, F = 65.96, \eta^2 = 0.165$) به منظور مقایسه گروه‌های آزمایش و کنترل در تک‌تک متغیرهای وابسته از آزمون کوواریانس تک متغیره استفاده شد. در جدول ۴ نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره برای متغیرهای بی‌حسی هیجانی و ساده‌انگاری هیجانی در پس‌آزمون به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل ارائه شده است. نتایج نشان داد که در متغیرهای پژوهش بین گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. به علاوه بخش عمده‌ای از واریانس تغییرات در بی‌حسی هیجانی (۰/۸۱) و ساده‌انگاری هیجانی (۰/۹۰) در پس‌آزمون به تأثیر گروه درمانی مبتنی بر طرحواره‌درمانی هیجانی مربوط می‌شود. همچنین می‌توان گفت پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت معناداری از نظر میزان بی‌حسی هیجانی ($F = 159.49, P < 0.01$) و ساده‌انگاری هیجانی ($F = 339.11, P < 0.01$) بین گروه آزمایش و کنترل مشاهده شد. به عبارتی دیگر، گروه درمانی مبتنی بر طرحواره‌درمانی هیجانی به شیوه گروهی باعث کاهش بی‌حسی هیجانی و ساده‌انگاری هیجانی در مادران کودکان کم‌توان ذهنی شده است. در واقع این روش درمانی در افراد مورد مطالعه در گروه مداخله را در مقایسه با گروه کنترل کاهش داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تعیین اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر طرحواره‌درمانی هیجانی بر طرحواره‌های هیجانی ناسازگار بود. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری نشان داد که طرحواره‌درمانی هیجانی کاهش معناداری در طرحواره‌های هیجانی ناسازگار در مادران کودکان کم‌توان ذهنی داشته است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های لیبی (۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۵)؛ دانشمندی، ایزدی‌خواه، کاظمی و مهرابی (۱۳۹۲)؛ رضایی و رضایی (۱۳۹۳)؛ نادری، مرادی، حسنی و نوحی (۱۳۹۴)؛ رضایی، رضایی و غضنفری (۱۳۹۵)؛ امام‌زمانی، مشهدی و سپهری شاملو (۱۳۹۵)؛ عابدی، آهوان، دوستیان، اعظمی و حسینی (۱۳۹۶)؛ حساس، مشهدی، سپهری و فیاضی (۱۳۹۶)؛ مرواریدی (۱۳۹۷)؛ شاهمرادی، خالقی‌پور و مسجدی (۱۳۹۷) مبنی بر اثربخشی درمان گروهی طرحواره‌های هیجانی در کاهش کاربرد طرحواره‌های هیجانی ناکارآمد همخوان است و به‌عبارت دیگر این درمان می‌تواند در کاهش طرحواره‌های هیجانی منفی در مادران کودکان کم‌توان ذهنی مورد استفاده قرار گیرد. در تبیین این یافته که از پژوهش بدست آمد می‌توان گفت، هدف اصلی طرحواره‌های هیجانی، شناسایی و

اصلاح باورهای افراد مختلف در مورد هیجان‌ناشان می‌باشد. در راستای این هدف، ابتدا اعضای گروه آزمایش با پاسخ‌دهی به مقیاس طرح‌واره‌های هیجانی لیهی، به درمانگر در جهت شناسایی طرح‌واره‌های خود کمک کردند. سپس در جلسات درمانی، با معرفی رویکرد طرح‌واره درمانی هیجانی و توضیح و شناساندن هر یک از طرح‌واره‌ها توسط درمانگر، اعضا به بحث و گفتگو درباره طرح‌واره‌هایشان پرداختند و بار دیگر به درمانگر در جهت پیدا کردن طرح‌واره‌های هیجانی خود، یاری رساندند. برای اصلاح این طرح‌واره می‌توان از تکنیک و روش‌هایی برای کاهش بازداری هیجانی و افزایش پردازش هیجانی استفاده نمود. در صورتی که فرد بتواند هیجان خود را تجربه نماید و نتایج تجربه هیجان را مشاهده کند و متوجه گردد که در صورت تجربه هیجان، اتفاق ناگواری برای وی نمی‌افتد کرختی به عنوان راهبرد بازداری هیجانی کاهش پیدا می‌کند. همچنین در صورتی که فنون نظم‌جویی هیجانی به فرد آموزش و یاد داده شود، فرد می‌تواند در هنگام بروز هیجان از آن‌ها استفاده نماید و تجربه هیجان برای وی تسهیل گردد. همچنین با اصلاح طرح‌واره‌های هیجانی اعتباریابی، کنترل، دوام، اتفاق نظر و پذیرش نیز می‌توان به بهبود این طرح‌واره کمک می‌نماید (لیهی، ۲۰۱۵).

همچنین برای اصلاح طرح‌واره هیجانی ساده‌انگاری می‌توان در ابتدا به شناسایی و چالش با تحریف‌های شناختی زیربنای عدم تحمل دوسوگرایی پرداخت. به عنوان مثال کمال‌گرایی و داشتن تفکر همه یا هیچ، یکی از دلایل عدم تحمل تردید و احساس‌های مختلط می‌باشد. برای به چالش کشیدن تفکر همه یا هیچ (این گزینه یا کاملاً مثبت است یا کاملاً منفی) درمانگر می‌تواند بپرسد: آیا تصمیم‌هایی وجود دارند که سیاه یا سفید نباشند؟ کاهش دادن این تفکر دو وجهی درباره شخصیت یا هیجان‌ات یک فرد، عنصر کلیدی در افزایش پذیرش، کاهش نشخوافتگی و افزایش انعطاف‌پذیری می‌باشد برای به چالش کشیدن تحریف‌شناختی برچسب زدن (این گزینه‌ای غیرقابل پذیرش می‌باشد) نیز درمانگر می‌تواند بپرسد: آیا امکان دارد انتخاب‌های خوب و بد وجود نداشته باشند و گزینه‌ها در محدوده‌ای میان خوب و بد باشند؟ همچنین برای بررسی و اصلاح تحریف‌شناختی کوچک شمردن نکات مثبت، درمانگر می‌تواند همراه با بررسی سود زیان کوچک شمردن این نکات، بپرسد: چه نکات مثبتی وجود دارند؟ اگر آن‌ها را نادیده بگیرد چه سودی و چه زبانی دارد؟ در رابطه با تحریف‌شناختی فیلتر منفی نیز این سؤال‌ها مفید می‌باشند: آیا گزینه‌ای وجود دارد که نکات منفی نداشته باشد؟ اگر مدام بر نکات منفی تمرکز کنید چه سود و زبانی می‌رساند؟ برای به چالش کشیدن تحریف‌شناختی فاجعه‌انگاری تصمیم نادرست نیز درمانگر می‌تواند بپرسد: اگر این گزینه را انتخاب بکنی، چه شواهدی موجود است که این انتخاب در دسرساز می‌گردد؟ برای بحث درباره تحریف‌شناختی استدلال هیجانی افراد فکر می‌نمایند چون مردم می‌باشند باید انتخاب بدی داشته باشند (درمانگر می‌تواند بپرسد: آیا می‌تواند استدلال شما تنها بر اساس هیجان‌تان باشد و نپذیرد که یک انتخاب لزوماً شامل احساس‌های مثبت و منفی نیز می‌باشد؟ در نهایت درمانگر در رابطه با استفاده از ابدها (من باید با انتخابم کاملاً خوشحال باشم)، می‌تواند بپرسد: چه شواهدی وجود دارد که این رویکرد در زندگی واقع‌گرایانه و عملی می‌باشد؟ یکی از روش‌های اصلاح این طرح‌واره این می‌باشد که درمانگر با مشارکت بیمار به بررسی سود و ضررهای عدم تحمل احساس‌های مختلط بپردازند. احساس‌های مختلط را می‌توان بیانگر پیچیده، صادق، آگاه و غنی از تجربه قلمداد کرد و پیشنهاد کند که هیچ گزینه کاملی در جهان وجود ندارد. برخی از افراد معتقد می‌باشند که داشتن طیفی از احساس‌ها به معنای تناقض احساس‌ها می‌باشد. بنابراین، می‌توان عبارت‌هایی همچون طیف احساس‌ها یا هیجان‌ات یا غنی بودن احساس‌ها را جایگزین عبارت متناقض نمود. روش دیگر عادی‌سازی تردید و احساس‌های مختلط در زندگی دیگران می‌باشد. برخی بیماران بر این باور می‌باشند که دیگران عدم قطعیت را در زندگی تجربه نمی‌نمایند. احساس‌های مختلط فرصتی برای رشد و بالندگی بیشتر به افراد می‌داد. به‌عنوان مثال، وقتی نسبت به فرد دیگری احساس‌های مختلط دارد، به جای کاهش دادن این احساس‌های مختلط به یک احساس واحد، می‌تواند وارد چالش گردد. این چالش وی را نیازمند استفاده از روش‌هایی می‌داند مثل: پذیرش، در نظر گرفتن این امکان که فرد می‌تواند ظرفیت تحمل خود را افزایش بدهد، برخی از سوگیری‌های نظری خود را تغییر بدهد و دیدگاه‌های دیگری کسب نماید (لیهی، ۲۰۱۵). جهت اصلاح این طرح‌واره همانند مطالعه شاه‌مرادی و همکاران (۱۳۹۷) ابتدا به صورت آموزش روانی، به مادران گروه توضیح داده شد که داشتن احساسات و هیجان‌ات شفاف و یک سویه، غیرواقع‌بینانه می‌باشد؛ چرا که موقعیت‌ها و اطرافیان در زندگی تغییر می‌کنند و میزان ثبات صفت‌های انسانی کم می‌باشد. بنابراین اگر از خود توقع داشته باشیم که همیشه یک نوع هیجان را نسبت به یک فرد و یا موقعیت تجربه نماییم، انتظار نادرستی می‌باشد. همچنین داشتن احساسات مختلط، بیانگر هوش و ذکاوت می‌باشد؛ چرا که نشانگر این است که ما درباره آن فرد یا موضوع، چیزهای زیادی را می‌دانیم. سرانجام می‌توان گفت که انسان موجودی پیچیده می‌باشد و احساسات و هیجان‌ات پیچیده و مختلط نشان‌دهنده پیچیدگی ذات انسان است. علاوه بر این در تمثیل نقاشی، هنگامی که مادران گروه آزمایش نقاشی رنگارنگ را به نقاشی ساده، ترجیح دادند، درمانگر توضیح داد

اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر طرحواره‌درمانی هیجانی بر بی‌حسی هیجانی (کرختی) و ساده‌انگاری هیجانی در مادران کودکان کم‌توان ذهنی
Effectiveness of Schema-Based Group Therapy Emotional Therapy on Emotional Anesthesia (Numbness) ...

که همانند نقاشی رنگارنگ که زیباتر می‌باشد، زندگی که غنی از احساسات گوناگون و تجربه‌های مختلف باشد، زیباتر و معناپذیرتر می‌باشد. در مقابل، زندگی تکراری با احساسات و تجربه‌های یکسان و یکنواخت، مثل نقاشی ساده، غنی و ارزشمند نمی‌باشد. بعضی از مادران گروه فکر می‌کردند که داشتن چند احساس در کنار هم مذموم می‌باشد. مثلاً یکی از مادران از اینکه دو احساس متناقض عشق و خشم را نسبت به فرزندش تجربه می‌کرد، احساس شرم و گناه داشت و خود را سرزنش می‌نمود. مادری دیگر، وجود احساسات مختلط را نشانه اشتباه در زمان بارداری خود می‌دانست. این مادران برای کاهش تردید و دودلی خود و یافتن قطعیت، از روش ناکارآمد نشخوار فکری استفاده می‌نمودند؛ اما با ارائه آموزش‌ها به این باور و توانایی رسیدند که داشتن احساسات مختلط و پیچیده، نامطلوب نیست و کاملاً طبیعی می‌باشد. همچنین، از دو تکنیک بررسی مزایا و معایب تجربیاتی که مادران نسبت به آن‌ها چندین احساس مختلف را دارند، برای اصطلاح این طرحواره استفاده گردید.

با توجه به نتایج به دست آمده مبنی بر تاثیر معنادار طرحواره درمانی هیجانی بر کاهش میزان بی‌حسی هیجانی و ساده‌انگاری هیجانی مادران کودکان کم‌توان ذهنی، می‌توان بیان نمود که این درمان از قابلیت‌های عملی خوبی برای مداخلات بالینی در خصوص کاهش میزان انواع طرحواره‌های هیجانی ناسازگار برخوردار است. از عمده محدودیت‌های این پژوهش عدم کنترل ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی، سطح تحصیلات و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی نمونه مورد بررسی بود. همچنین شدت اختلال کم‌توانی ذهنی دانش‌آموزان کنترل نشده بود که این موارد قابلیت تعمیم نتایج حاصله را با محدودیت روبرو می‌سازد. علاوه بر این عدم اجرای آزمون پیگیری به‌منظور ارزیابی پایداری اثرات درمان در دراز مدت می‌تواند جزء محدودیت‌های این پژوهش قلمداد شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا در مطالعات آتی ویژگی‌های مذکور از طریق مصاحبه و پرسشنامه‌ها بررسی و کنترل گردد. لذا در پایان توصیه می‌شود که دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای مشاوران و روان‌شناسان مدارس و سایر مراقبین سلامت به جهت آشنایی بیشتر با این برنامه درمانی به‌منظور کسب مهارت صورت گیرد.

منابع

- امام‌زمانی، ز، مشهدی، ع، سپهری شاملو، ز (۱۳۹۵). اثربخشی طرحواره درمانی هیجانی گروهی بر کاهش عدم تحمل بلا تکلیفی، اضطراب و نگرانی زنان مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر. پایان‌نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد. پذیراشان، ع و حجتی، ح (۱۳۹۸). تأثیر تئوری سازگاری ROY بر تاب‌آوری مادران کودکان کم‌توان ذهنی شهرستان گنبد کاووس در سال ۹۶. نشریه پرستاری کودکان، ۵(۳)، ۷-۱.
- حساس، ا؛ مشهدی، ع و سپهری شاملو، ز (۱۳۹۶). اثربخشی طرحواره‌درمانی هیجانی گروهی بر طرحواره‌های هیجانی، کیفیت زندگی، راهبردهای نظمجویی شناختی هیجان و نشانه‌های بیماران مبتلا به اختلال خلقی دوقطبی. پایان‌نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی.
- خانزاده، م؛ ادیسی، ف؛ محمدخانی، ش و سعیدیان، م (۱۳۹۲). بررسی ساختار عاملی و مختصات روانسنجی مقیاس طرحواره‌های هیجانی بر روی دانشجویان. مجله روانشناسی بالینی، ۳(۱۱)، ۹۱-۱۰۹.
- دانشمندی، س؛ ایزدی‌خواه، ز؛ کاظمی، ح و مهرابی، ح (۱۳۹۲). اثربخشی درمان طرحواره‌های هیجانی بر طرحواره‌های هیجانی زنان قربانی کودک آزاری و غفلت. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۲۲(۵)، ۱۴۹۴-۱۴۸۱.
- رضایی، م و رضایی، م (۱۳۹۳). اثربخشی طرحواره درمانی هیجانی بر طرحواره‌های هیجانی بیماران مبتلا به افسردگی اساسی. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم رفتاری. تهران. موسسه همایشگران مهر اشراق، مرکز همایش‌های دانشگاه تهران، ایران، ۴۵-۵۸.
- رضایی، ف؛ رضایی، م و غضنفری، ف (۱۳۹۵). اثربخشی طرحواره درمانی هیجانی بر شدت افسردگی و نشخوار فکری افراد مبتلا به افسردگی اساسی. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره ۲۴، شماره ۱، ۵۶-۴۱.
- سیداسماعیلی قمی، ن؛ کاظمی، ف و پزشکی، ش (۱۳۹۶). تأثیر آموزش برنامه کاهش استرس مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر میزان فشار روانی مادران کودکان کم‌توان ذهنی. فصلنامه افراد استثنایی، ۵(۱۷)، ۱۴۸-۱۳۱.
- شاه‌مرادی، ذ؛ خالقی‌پور، ش و مسجدی، م (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی "طرحواره درمانی" و "شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی" بر طرحواره‌های ناسازگار و سلامت عمومی بیماران مبتلا به ویتیلیگو. نشریه مدیریت ارتقای سلامت، ۷(۶)، ۵۱-۴۱.
- عابدی، ن؛ آهوان، س؛ اعظمی، ی و حسینی، س (۱۳۹۶). اثربخشی درمان طرحواره درمانی هیجانی بر نشانه‌های بالینی و طرحواره‌های هیجانی در مبتلایان به اختلال وسواس فکری و عملی. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، سال ۷، شماره ۲۶، ص ۱۴۹-۱۶۳.

- عاشوری، م و یزدانی پور، م (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آموزش بازی‌درمانی گروهی با رویکرد شناختی رفتاری بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی. *فصلنامه توانبخشی*. ۱۹(۳)، ۲۶۲-۲۷۴.
- قاسمی‌پور، ی و روشن، ب (۱۳۹۸). نقش ذهن‌آگاهی و حمایت اجتماعی در پیش‌بینی سلامت روان مادران دارای کودک کم‌توان ذهنی. *فصلنامه سلامت روان کودک*. ۱۶(۱)، ۱۷۶-۱۸۷.
- مرواریدی، م؛ مشهدی، ع و سپهری شاملو، ز (۱۳۹۷). اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی هیجانی بر کاهش حساسیت اضطرابی زنان مبتلا به اضطراب اجتماعی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی نیشابور*، دوره ۷، شماره ۱، ص ۲۶-۳۵.
- نادری، ی؛ مرادی، ع؛ حسینی، ج و نوحی، س (۱۳۹۴). اثربخشی درمان مبتنی بر طرحواره‌های هیجانی بر راهبردهای نظم‌جویی شناختی جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه ناشی از جنگ. *فصلنامه طب جانباز*، دوره ۷، شماره ۳، ص ۱۴۸-۱۵۵.
- AlHorany, A. K., Younis, N. A., Bataineh, M. Z., & Hassan, S. A. (2017). Do mothers of children with autism are at higher risk of depression? A systematic review of literature. *Life Science Journal*, 10(1), 3303-3308.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5®)*. American Psychiatric Pub.
- Ashori, M., & Jalil-Abkenr, S. S. (2016). Students with special needs and inclusive education. *Tehran: Roshd-e Farhang*, 103-129.
- Bardeen, J. R., Fergus, T. A., & Orcutt, H. K. (2012). An examination of the latent structure of the Difficulties in Emotion Regulation Scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 34(3), 382-392.
- Glidden, L. M., Billings, F. J., & Jobe, B. M. (2016). Personality, coping style and well-being of parents rearing children with developmental disabilities. *Journal of Intellectual Disability Research*, 50(12), 949-962.
- Hallahan, D. P., Pullen, P. C., Kauffman, J. M., & Badar, J. (2020). Exceptional learners. In *Oxford Research Encyclopedia of Education*.
- Kandel, I., & Merrick, J. (2015). The child with a disability: parental acceptance, management and coping. *TheScientificWorldJOURNAL*, 7.
- Leahy, R. L. (2002). A model of emotional schemas. *Cognitive and behavioral practice*, 9(3), 177-190.
- Leahy, R. L. (2007). Emotional schemas and resistance to change in anxiety disorders. *Cognitive and behavioral Practice*, 14(1), 36-45.
- Leahy, R. L. (2011). Emotional schema therapy: A bridge over troubled waters. *Acceptance and mindfulness in cognitive behavior therapy: Understanding and applying the new therapies*, 109-131.
- Leahy, R. L. (2015). *Emotional schema therapy*. Guilford Publications.
- Leahy, R. L. (Ed.). (2018). *Science and practice in cognitive therapy: foundations, mechanisms, and applications*. Guilford Publications.

اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر طرحواره‌درمانی هیجانی بر بی‌حسی هیجانی (کرختی) و ساده‌انگاری هیجانی در مادران کودکان کم‌توان ذهنی
Effectiveness of Schema-Based Group Therapy Emotional Therapy on Emotional Anesthesia (Numbness) ...